



سه‌شنبه ۱۱ دی ۱۴۰۲

وطن‌امروز | شماره ۴۲۱۹

فرهنگ‌و هنر |

اخبار

استقبال از خاطرات شهید جمهور ادامه دارد



کتاب «پایان ماموریت»، خاطرات آیت‌الله شهید سیدابراهیم رئیسی، با استقبال مخاطبان از سوی دفتر نشر معارف به چاپ سوم رسید و بار دیگر در کتابفروشی‌ها عرضه شد.

«پایان ماموریت» از جمله آثارى است که پس از سانحه بالگرد و شهادت آیت‌الله شهید سیدابراهیم رئیسی با هدف معرفی این شهید عزیز و پرداختن به زندگی او منتشر شد. کتاب حاضر در قیاس با آثار مشابهی که در ماه‌های اخیر منتشر شده، وجه تمایزی دارد و آن، روایت خاطرات از زبان خود شهید است.

مصطفی رضایی کتاب خود را در ۱۴۰ برش داستانی تنظیم کرده که از ابتدای تولد تا زمان شهادت آیت‌الله رئیسی در آن به رشته تحریر درآمده است.

نویسنده «پایان ماموریت» در گفت‌وگویی با اشاره به ویژگی‌های شخصیتی آیت‌الله شهید رئیسی و تأثیرگذاری شخصیت‌های برجسته بر ایشان گفت: در این کتاب ۳ الگوی برجسته را برای شهید ترسیم کرده‌ایم. نخست تأثیرپذیری از مقام معظم رهبری است که از دوران پیش از پیروزی انقلاب و با حضور در مسجد کرامت مشهد آغاز می‌شود و تا زمان شهادت ادامه می‌یابد.

وی ادامه داد: پس از آن، به تأثیرپذیری از شخصیت شهید بهشتی اختصاص دارد که هم‌زمان با ورود آیت‌الله شهید رئیسی به قوه‌قضائیه آغاز می‌شود. در واقع شهید رئیسی جزو هسته کادرسازی بود که شهید بهشتی به دنبال تشکیل آن بود و بعدها بدنه قوه‌قضائیه را تشکیل دادند.

رضایی با بیان اینکه یادآوری خاطرات شهید بهشتی همواره در کلام شهید رئیسی دیده می‌شود، به سوئمن فرد تأثیرگذار بر شخصیت رئیس‌جمهور شهید اشاره و اضافه کرد: شهید قاسم سلیمانی سوئمن فردی است که بیشترین تأثیرگذاری را بر شخصیت شهید رئیسی داشت. اگر گفتارها و گفت‌وگوهای شهید رئیسی را پیگیری کنیم، می‌بینیم که این تأثیرگذاری محسوس است.

معرفی نامزدهای بخش کودک و نوجوان جشنواره تئاتر مقاومت



نامزدهای دریافت جایزه بخش کودک و نوجوان مسابقه نمایشنامه‌نویسی نوزدهمین جشنواره تئاتر مقاومت معرفی شدند.

ستاد برگزاری نوزدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر مقاومت فهرست نامزدهای دریافت جایزه بخش کودک و نوجوان مسابقه نمایشنامه‌نویسی این دوره از جشنواره را منتشر کرد.

هیات داوران بخش کودک و نوجوان مسابقه نمایشنامه‌نویسی نوزدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر مقاومت متشکل از آزاده نصاری، منوچهر اکبرلو و محسن عطیمی، اسامی نامزدهای دریافت جایزه را به این شرح معرفی کرده است:

- نمایشنامه «افسانه آبیژاد» به نویسندگی عقیل جماعتی از شهر برازجان - استان بوشهر
- نمایشنامه «بشکفته غنچه کوجولو» به نویسندگی رقیه ارشادی از شهر لار - استان فارس
- نمایشنامه «چپ» به نویسندگی محسن رحمانی از شهر تهران - استان تهران
- نمایشنامه «دالیلا» به نویسندگی مهدی حاج‌محمدی از شهر کرمان - استان کرمان
- نمایشنامه «دیوار، تماشای ستاره‌های آب شده» به نویسندگی محمد ایرانی از شهر تهران - استان تهران

- نمایشنامه «طوطا و جانا» به نویسندگی رضا ادیبنیا (بیات) از شهر تهران - استان تهران
- نمایشنامه «کریسمس در میدان جنگ» به نویسندگی سیدسعید محمدی از شهر تهران - استان تهران
- نمایشنامه «یک شب طولانی» به نویسندگی کیوان اقبالی‌گوران از شهر هشتگرد - استان البرز.
بخش «کودک و نوجوان» مسابقه نمایشنامه‌نویسی نوزدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر مقاومت بر اساس آفرینش نویسندگان بر مبنای «مفهوم مقاومت»، «شهادی نوجوان دفاع‌مقدس، محور مقاومت و فلسطین» و «حماسه آفرینی رزمندگان نوجوان دفاع‌مقدس، محور مقاومت و فلسطین» برگزار می‌شود.
نوزدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر مقاومت پاییز و زمستان سال ۱۴۰۳ به دبیری محمد کاظم‌تبار توسط انجمن تئاتر انقلاب و دفاع‌مقدس بنیاد فرهنگی روایت فتح در تهران و شهرهای مختلف کشور در حال برگزاری است.

حضرت امام حسین !:

کسی که با نیروگ و مصیبت خدا، در پی به‌دست آوردن چیزی رود، کمتر به آنچه امید دارد می‌رسد و زودتر به آنچه می‌رسد، دچار می‌شود.

روزنامه سیاسی ، فرهنگی ، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز ومدیرمسئول:محمد آخوندی

مدیرعامل:رضاشکیبایی

سر‌دبیر:سید‌علیدین نورالدینی

نشانی : خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر (عج)، کوچه سعید، پلاک ۹

روابط عمومی: ۶۶۴۱۲۷۹۲ | تلفن: ۶۶۴۱۲۷۸۲ | نمابر: ۶۶۴۱۴۱۳۷

پيام‌رسان: @vatanemrooz | پست الکترونیکی: info@vatanemrooz.ir

چاپ: موسسه جام‌جم برتر برنا | توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۲۳۰۰

نگاهی متفاوت به لزوم حضور روحانیت در فضای مجازی

هنر قرائتی بودن



مهرداد احمدی: روحانیون

همواره در طول تاریخ، نمادی

از یک اقتدار معنوی و مرجعیت فکری برای

جوامع مذهبی بوده‌اند. این جایگاه، نه صرفاً برآمده از مقام رسمی آنها، بلکه حاصل نوعی اعتماد جمعی بوده است که با زیستن در میان مردم، پاسداری از ارزش‌های دینی و ایستادگی در برابر انحرافات فرهنگی حاصل شده است.

آنان، همچون فانوس‌های روشن، مسیر زندگی معنوی و اخلاقی را برای جامعه تبیین کرده‌اند اما پرسشی که امروز مطرح می‌شود این است: آیا ورود به عرصه‌هایی همچون بلاگری در اینستاگرام، که فضایی پسرمتی و سطحی و مبتنی بر مصرف‌گرایی است، این فانوس‌های معنوی را کم‌فروغ نمی‌کند؟ برای تحلیل این مسأله، ابتدا باید به جایگاه تاریخی روحانیون نگاهی فلسفی و جامعه‌شناختی افکنند. روحانیون، به عنوان حاملان حقیقت، نقشی فراتر از تبلیغ دینی داشته‌اند؛ آنان حافظان سنت‌های معنوی، مربیان اخلاق و واسطه‌های میان مسائل قدسی و عرفی بوده‌اند. این نقش از آن رو اهمیت دارد که در فضای آرام و محکم از مناسبات اجتماعی و فرهنگی رشد می‌کرد. جامعه، با پذیرش مرجعیت روحانیون، در برابر تلاطمات فرهنگی و فکری پایدار می‌ماند. حال اگر این مرجعیت معنوی به ساحت شبکه‌های اجتماعی کشیده شود؛ جایی که همه چیز در معرض نسبی‌گرایی و مصرف‌فوری قرار دارد، آیا آن وقار و عمق تاریخی حفظ خواهد شد؟

از منظر جامعه‌شناسی دین، مرجعیت دینی زمانی کارآمد است که فاصله‌ای معناشناختی میان مرجع و مخاطب وجود داشته باشد. این فاصله، نه برای ایجاد گسست، بلکه برای حفظ احترام و وقار نقش معنوی است. روحانی، همچون چشمه‌ای در دل کوه، با فاصله‌ای از هیاهوی شهر، آب زلال حقیقت را به مردم عرضه می‌کند اما اکنون، در فضایی که همه چیز به سطحی‌ترین شکل ممکن بازنمایی می‌شود، این فاصله محو می‌شود. روحانی بلاگر، که در رقابت با دیگر تولیدکنندگان محتوا ناچار به جلب توجه است، ناگزیر بر است از ابزارهایی استفاده کند که با ذات رسالت معنوی‌اش در تعارض است. این امر به نوعی فرآیند سکولاریزاسیون درونی منجر می‌شود، چرا که مرجعیت دینی به یک هویت صرفی و قابل بازارایابی بدل می‌شود اما از منظر فلسفه دین، مشکل عمیق‌تری نیز وجود دارد. دین همواره در جست‌وجوی «حقیقت» است و حقیقت، برخلاف مصرف، ذاتاً فرازمانی و فراقضایی است. شبکه‌های اجتماعی، با ساختاری که لحظه‌ای و زودگذر است، نه‌تنها بستر مناسبی برای انتقال حقیقت نیستند، بلکه خود عاملی برای تحریف حقیقت‌اند. ورود روحانیون به چنین فضایی، به معنای پذیرش قواعد بازی است؛ قواعدی که در آن، «دیدهای شدن» جایگزین «همپیدن» می‌شود و «محبوبیت» بر «حقانیت» غلبه می‌کند. آیا می‌توان فانوس حقیقت را در میانه گردباد زودگذر امواج مجازی افروخت؟ در اینجا، مسأله‌ای دیگر نیز مطرح

است: آیا حضور دین در فضای

مجازی، به حضور فیزیکی روحانیون نیاز

دارد؟ یا آنکه این تصور، ناشی از بدفهمی نقش دین در جهان امروز است؟ دین، به عنوان پدیده‌ای فرهنگی و معنوی، می‌تواند از طریق نهادها، متون و حتی آثار هنری در فضای مجازی بازتاب یابد، بی‌آنکه نیازمند حضور مستقیم حاملان آن باشد. حضور مستقیم روحانیون، گاه نه‌تنها ضروری نیست، بلکه می‌تواند به کاهش عمق معنوی پیام منجر شود. فضای مجازی، همان‌گونه که از نامش پیداست، فضایی است که بیشتر بر بازنمایی‌های ظاهری تکیه دارد و کمتر ظرفیت درک معانی عمیق را دارد.

از سوی دیگر، این تصور که حضور نداشتن روحانیون در فضای مجازی به معنای حذف دین است، برداشتی تقلیل‌گرایانه از ماهیت دین است. دین، همچون نوری که از خورشید حقیقت سرچشمه می‌گیرد، نیازی به حضور مستقیم ندارد تا در جهان جاری باشد. هرچند حضور متخصصان دین‌شناس در تبیین آموزه‌ها موثر است اما باید پرسید آیا این حضور حتماً باید در قالب‌هایی باشد که ذاتاً با فضای قدسی و معنوی دین ناسازگار است؟ شبکه‌های اجتماعی، با ساختار مخاطب‌محور و مبتنی بر الگوریتم‌های جذب‌کننده، بیشتر به «تماش» وابسته‌اند تا به «مفهوم». روحانی‌ای که وارد این فضا می‌شود، ناچار است قواعد آن را بپذیرد و در این پذیرش، بسیاری از ارزش‌های معنوی خود را تعدیل کند. شاید بتوان این فرآیند را به ورود یک آبشار زلال به میان امواج متلاطم تشبیه کرد: هر چند آبشار همچنان زلال است اما در میانه آن امواج، قدرت و وضوحش کاهش می‌یابد. ضرورت حضور دین در فضای مجازی، ضرورتی است که باید به شکلی عمیق‌تر بازاندیشی شود. دین، به‌مثابه یک حقیقت فرازمانی، نیازی به انطباق کامل با فضای مجازی ندارد، بلکه می‌تواند از ابزارهای این فضا، بدون از دست دادن ماهیت خود، بهره ببرد. این ابزارها می‌توانند شامل متن آموزشی ویدئوهای کوتاه مفهومی، یا حتی نرم‌افزارهای تعاملی باشند که آموزه‌های دینی را به شیوه‌ای مدرن و در عین حال وفادار به اصل خود منتقل کنند.

در پایان باید گفت روحانیت به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای تاریخی دین، نمی‌تواند نقش معنوی و هدایت‌گرانه خود را در برابر مخاطرات جدید فراموش کند. ورود به عرصه‌هایی که ذاتاً با پیام معنوی دین در تضادند، نه‌تنها باعث کاهش اعتبار این نهاد منجر می‌شود، بلکه می‌تواند باعث ایجاد تصویری نادرست از دین در میان نسل‌های جدید شود. روحانیون، به جای ورود مستقیم به فضای مجازی، باید به نقش هدایت‌گری خود ادامه دهند و از طریق تربیت

نخبگان و کارشناسی که با

زبان این فضا آشنا هستند، به ترویج آموزه‌های دینی بپردازند. به بیان دیگر، فانوس معنویت باید همچنان روشن بماند اما در مسیری که از گردبادهای گذرای روزگار محفوظ باشد. نقش رسانه‌ای روحانیون، بویژه در جهان معاصر، جایگاه ویژه‌ای در انتقال آموزه‌های دینی و اخلاقی دارد. این نقش، هنگامی که با وقار و اصالت همراه باشد، می‌تواند بیش از هر ابزار مدنی تأثیرگذار باشد. در این میان، چهره‌هایی چون آقای قرائتی به‌خوبی نشان داده‌اند که چگونه می‌توان بدون افتادن در دام نمایشگرگی و سطحی‌گرایی، رسانه‌ای موثر و نافذ بود. او، بدون نیاز به حضور در شبکه‌های اجتماعی یا بهره‌گیری از ابزارهای برزق‌ورق دیجیتال، تنها با تکیه بر صداقت، عمق پیام و شناخت نیازهای مخاطب، توانست به تنهایی یک رسانه باشد.

آقای قرائتی با بهره‌گیری از روش‌های ساده اما عمیق در بیان مفاهیم دینی، نشان داد که رسانه بودن به معنای پر کردن صفحات مجازی با محتواهای رنگارنگ نیست. او، همچون معلمی صبور و دلسوز، با زبانی ساده اما اندیشمندانه، پیام دین را به گوش و دل میلیون‌ها مخاطب رساند. این روش، به جای آنکه بسر هیاهو و تبلیغات متکی باشد، بر جوهره پیام دینی تمرکز داشت. او از همان ابزارهایی بهره گرفت که در دسترس همه بود: سخن گفتن با صداقت، استفاده از مثال‌های روزمره و ایجاد ارتباط عاطفی با مخاطبان. همین ویژگی‌ها او را از دیگران متمایز ساخت و نشان داد که می‌توان رسانه‌ای عظیم بود، بی‌آنکه مرزهای معنویت را درنوردید. آنچه قرائتی از موفق ساخت، وفاداری او به شأن و جایگاه روحانیت بود. او، برخلاف جریان غالب که در آن شهرت و محبوبیت غالباً به قیمت از دست دادن عمق و محتوا به دست می‌آید، هیچ‌گاه از اصول خود عدول نکرد. در تمام سال‌های فعالیت رسانه‌ای‌اش، هرگز وارد فضایی نشد که شأن روحانیت را خدشه‌دار کند. او همواره در قامت یک معلم اخلاق و راهنمای معنوی باقی ماند و با صراحت، شوخ‌طبعی و آگاهی از نیازهای جامعه، آموزه‌های دینی را به زبانی قابل فهم و دلنشین ارائه کرد.

این رویکرد نشان می‌دهد که رسانه بودن به معنای سازگاری با هر نوع فضایی نیست. رسانه واقعی، کسی است که بتواند حقیقت را منتقل کند، بی‌آنکه اصالت پیام یا وقار خود را از دست دهد. استاد قرائتی، با اجتناب از ظاهر‌سازی یا دنبال کردن ترندهای زودگذر، توانست آموزه‌های دینی را به گونه‌ای بیان کند که نه‌تنها برای مخاطب جذاب باشد، بلکه در عمق جان او بنشیند. این نوع حضور رسانه‌ای، برخلاف بسیاری از تلاش‌های معاصر، بر

نتیجه عکس بازی ژرمن‌ها در زمین آمریکا!

چنین سیاستگذاری باخ‌خواهانه و مداخله‌گرانه‌ای، دیگر نه در قالب یک «سیاست پنهان»، بلکه در قالب یک «اعلان موضع آشکار» مطرح می‌شود. ماسک، ترامپ، مارک رابویو و دیگر سیاستمدارانی که در دولت جدید ترامپ حضور دارند، ابایی از قربانی کردن اتحادیه اروپایی و احزاب سنتی آن پای اهداف توسعه‌طلبانه خود در ۲ سوی آتلانتیک ندارند. بدون شک افرادی نظیر اولاف شولتس، مرکل، اشتان‌مایر و دیگر سیاستمداران آلمانی، نمی‌توانند ادعا کنند متوجه این نگاه آبرازی مطلق سیاستمداران ۲ حزب دموکرات و جمهوریخواه آمریکا نسبت به خود و کشورشان نبوده‌اند!

تبدیل اروپای یکپارچه و ۲ ستون اصلی آن یعنی برلین و پاریس به مهره‌های بازی کاخ سفید در نظام بین‌الملل، محصول یک سیاستگذاری کلان بر اساس «صل‌وابستگی» بوده و برطرف کردن عوارض آن، دیگر از عهده اروپای برادعا اما غیرمستقل خارج است. تنها اقدامی که امروز از دست ژرمن‌ها برمی‌آید، نظاره‌گر بودن نحوه معامله دولت بعد آمریکا با برلین است و دیگر هیچ! بدون شک ترامپ به باج‌دهی‌های حداقلی دولت آتی آلمان قانع نخواهد شد و هر گام عقب‌نشینی اجباری برلین در برابر مطالبات واشنگتن، هزینه‌های سخت‌تری بر پیکر نیمه جان ژرمن‌ها وارد خواهد کرد. نکته حائز اهمیت اینکه

که در تبعیت مطلق از واشنگتن ایجاد و تقویت کرده‌اند. ۲ حزب سنتی آلمان طی دهه‌های اخیر سکان قدرت را در برلین در دست داشته‌اند. حتی در دوران صدارت اعظمی گرهارد شرودر که مصادف با اشغال عراق (سال ۲۰۰۳ میلادی) شد، مخالفت مشترک شرودر و شیراک رئیس‌جمهور وقت فرانسه با اشغال عراق جنبه‌ای تشریفاتی داشت، زیرا پس از آن، برلین نقش بسزایی در تکمیل منظومه‌های جاسوسی – نظامی واشنگتن در منطقه ایفا کرد. این قاعده دربار فرانسه نیز صادق است؛ جایی که ۲ حزب سوسیالیست و محافظه کار، در زمینه جلب رضایت مطلق کاخ سفید از خود با یکدیگر رقابتی نزدیک داشتند.

آمریکا تاریخ را با خون رقم می‌زند

همگرایی جهانی بین‌جامد. گردآورنده کتاب می‌گوید: «ما نیاز داریم سیاست‌های دولت خود را آنگونه ببینیم که دیگران در سراسر جهان می‌بینند. این دیدگاه شاید در ابتدا رادیکال به نظر برسد اما اگر سیاستمداران و رسانه‌های آمریکایی کمی سراغ آمار و ارقامی بروند که نشانگر قربانیان این سیاست‌ها در جهان است، درمی‌یابند ناراضی‌تی‌های گسترده‌ای از سلطه‌گری آمریکا وجود دارد.»

مرگ خالق کمپ دیوید

با حمله و جنگ داخلی، دیگر اعراب مانند ۱۹۴۸ و ۱۹۶۷ متحد نبودند. کمپ دیوید مانند یک فروپاشی دیوار برلین برای اعراب بود. به یک‌باره همه‌شان را از هم گسست و دیگر مانند قبل اتحاد نشانستند. این صلح ستانورد بزرگ کارت بود که برای همیشه میراثی از او به جا گذاشت که روسای جمهوری بعدی آمریکا از ۲ طیف

نبود و حسنی مبارک هم راه سادات را رفت. قاهره دچار تنهایی عربی شد و برای چند دهه از معادلات قدرت کنار گذاشته شد اما تل آویو سود سرشاری کرد. از قفس رها شده به فکر سرکوب لبنان، سوریه و اردن افتاد. هر کدام را با ترفندی کنار زد؛ اردن را با قرارداد عقبه، سوریه را با حملات متناوب و حتی سوپ صلح و لبنان را